ZENDEGI-SALAM
زندگی سلام
ضمیمه روزنامه خراسان
چهارشنبه • ۲۵ اردیبهشت ۱۳۹۸
۹ رمضان ۱۴۴۰ • ۱۵ می ۲۰۱۹
شماره ۲۰۰۹۹
۱۳۲۲

گفت‌وگو با جوان‌هایی که زندگی مجردی را به کانون گرم خانواده ترجیح داده‌اند

زیر سقف تنهایی

نسیم سهیلی | روزنامه‌نگار

پرونده

خانه‌هایی کوچک با وسایلی محدود و سکوتی عمیق و طولانی. این‌جا خبری از شوق و شور و هیجان خانه پدری نیست. این‌جا مادری آشپزی نمی‌کند و بوی خوش غذا در اتاق‌ها نمی‌پیچد، پدری روزنامه نمی‌خواند، کودکی با اسباب‌بازی‌هایش بازی نمی‌کند و... . این جا معمولا فقط سکوت و تنهایی موج می‌زند. بله، این‌جا خانه مجردی است. تنهایی، استقلال، خودسازی، آزادی، آرامش و... واژه‌هایی است که برخی افراد مجرد را بدون توجه به آسیب های ممکن به سمت جدایی از خانواده کشانده تا زندگی تک نفره را تجربه کنند. در این پرونده از زندگی سلام به سراغ این جوانان مجرد زیر ۴۰ سال می‌رویم تا درباره انگیزه‌های‌شان برای جدایی از خانواده و مستقل شدن گپ بزنیم. سپس نظر یک جامعه‌شناس و روان‌شناس را درباره این ماجرا خواهید خواند و در جریان چند آمار تامل‌برانگیز هم قرار خواهید گرفت.

گپ و گفتی با چند نفر که زندگی مجردی را انتخاب کرده‌اند

در گرایش به زندگی مجردی علل مختلفی وجود دارد که دامنه آن از اجبار تا اختیار گسترده است. کسانی که به دلایل کاری و تحصیلی مهاجرت می‌کنند، مطلقه‌ها جزو افرادی هستند که گاهی به اجبار تن به زندگی مجردی داده‌اند اما در آن سو نیز برخی از مجردان کاملا اختیاری این نوع زندگی را انتخاب کرده‌اند. بنابراین نمی‌توان به یک جمع‌بندی کلی درباره این موضوع دست یافت. با این حال، خواندن صحبت‌های این افراد کمک زیادی می‌کند تا با این سبک زندگی بیشتر آشنا شد.

زیر بار زور نمی‌روم!

سامان ۲۷ ساله دکترای دندان‌پزشکی دارد. او از ۱۸ سالگی به فکر زندگی مجردی افتاده است. سامان می‌گوید: «ویژگی‌های اخلاقی خاص من باعث این انتخاب شد. مستقل بودن از چند نظر خوب است، مهم‌ترین آن داشتن حس راحتی و آرامش، روی پای خود ایستادن، بالا رفتن اعتماد به نفس و داشتن استقلال مالی و مکانی است و این که دیگر کسی نمی‌تواند به آدم امر و نهی کند. من تحت نظارت زندگی کردن را دوست ندارم. خانواده سختگیری داشتم و به این کار رغبت نداشتم. حتی من را طرد کردند اما من تابو را شکستم و در ابتدا از کارهای کوچک مثل فروشندگی شروع کردم.» او مشکلات مالی و خلأ احساسی را از جمله سختی‌های این نوع زندگی می‌داند و می‌گوید: «خانواده‌ها باید از سنی که بچه‌ها توانایی کار کردن دارند، آن‌ها را به سوی مستقل شدن سوق بدهند.»

تنهایی را دوست دارم اما سخت است!

مهدی، ۳۳ ساله و مهندس معماری شش ماه است که مجردی زندگی می‌کند. او می‌گوید: «من آدم اجتماع دوستی نیستم، از مخالفان ازدواجم و تنهایی برایم بهتر است. کمی اجبار و انتخاب شخصی من را به سوی مجرد زیستن کشاند. فکر می‌کنم خانواده‌ها باید از ۱۸ سالگی به بعد فرزندان شان را آماده زندگی مجردی کنند و شیوه استقلال داشتن را به آن‌ها بیاموزند.» او با این که تنهایی را دوست دارد یکی از مشکلات این نوع زندگی را تنهایی می‌داند و می‌گوید: «گاهی سه یا چهار روز کسی را نمی‌بینم و حرف نمی‌زنم. در این نوع زندگی اول و آخر تمام تصمیمات خودت هستی. از کسی تایید و تشویق نمی‌گیری. این نکات هم می‌تواند مثبت و هم منفی باشد و به نوع شخصیت انسان باز می‌گردد.» مهدی در پایان می‌افزاید: «نام «خانه مجردی» در اذهان عمومی به خوبی جا نیفتاده. به نظرم باید لفظ تنها زیستن را به جای خانه مجردی به کار برد.»

دوستانم به خانه‌ام به عنوان پاتوق نگاه می‌کردند!

سعید ۲۶ ساله که به اجبار به سمت زندگی مجردی کشیده شده، می‌گوید: «بعد از فوت مادر و پدرم مجبور شدم تنهایی زندگی کنم. در زندگی کنار خانواده باید تن به برخی خواسته‌های اجباری آن‌ها بدهی و توقعاتی پیش می‌آید اما در مجردی تنها با مسائل شخصی خودت سر و کار داری.» او می‌افزاید: «خانواده‌های امروزی با حمایت‌های بی دلیل جلوی استقلال فرزندان را می‌گیرند در صورتی که باید بستر مستقل شدن آن‌ها را فراهم کنند. بعد از آن فرد آمادگی زندگی در اجتماع را پیدا می‌کند.» سعید درباره خوبی و بدی این نوع زندگی می‌گوید: «مشکل اصلی دوستانم بودند. کسانی که فکر می‌کردند خانه مجردی پاتوق است! البته من به اجبار رابطه‌ام را با آن‌ها قطع کردم. مشکل بعدی هم هزینه‌هاست که گاهی برای یک آدم تنها دردسرساز می‌شود.»

دانش‌آموزی و زندگی مجردی

سارا ۱۷ ساله، دانش‌آموز و از وضع مالی بسیار خوبی برخوردار است. او که چندی است به خاطر درس خواندن برای کنکور خانه‌اش را از خانواده جدا کرده، می‌گوید: «مایعنی من و پدر و مادرم از نظر اعتقادی و سبک زندگی با هم فرق داشتیم. خانواده من زیاد با روحیات و اخلاقیاتم کنار نمی‌آیند. تقریبا تمام دوستانم که بین سنین ۱۷ تا ۱۹ سال هستند، مجردی زندگی می‌کنند.» او درباره علت انتخابش و تصمیم‌اش به زندگی مجردی می‌گوید: «کسی چک‌ات نمی‌کند. هر طور دوست داری لباس می‌پوشی، غذا می‌خوری و... اما وقتی مریض می‌شوی کسی نیست از تو پرستاری کند یا خسته که هستی برایت چایی بریزد و... . در این وضعیت صفر تا صد زندگی‌ات دست خودت است و کمی غفلت باعث می‌شود همه چیز را ببازی!»

«شهلا کاظمی‌پور» جمعیت‌شناس از آمارهای زندگی مجردی می‌گوید

تقریبا نیم میلیون نفر!

شهلا کاظمی‌پور، جمعیت‌شناس در گفت‌وگویی با ما درباره زندگی مجردی می‌گوید: «جمعیت افراد مجرد با مجردانی که تنها زندگی می‌کنند متفاوت است. در این بین باید توجه داشت کسانی که مجرد زندگی می‌کنند، سه گروه‌اند: یا ازدواج نکرده‌اند یا طلاق گرفته یا همسرشان فوت کرده است.»

مردهای درگیر زندگی مجردی ۲ برابر زنان هستند

وی درباره آخرین آمارهای زن و مردهایی که زندگی مجردی را انتخاب کرده‌اند، می‌افزاید: «بر طبق آخرین آمار سرشماری در سال ۹۵، تعداد مردان مجردی که تنها زندگی می‌کنند در سنین ۱۵ سال تا ۴۰ سال، ۳۱۳ هزار و ۷۴۷ نفر و زنان مجرد در این رده سنی ۱۶۳ هزار نفر هستند. در همه رده‌های سنی، مردانی که مجرد زندگی می‌کنند ۲ برابر زنان هستند. تعداد جوان‌ترین رده سنی یعنی دهه هشتادی‌هایی که رده سنی ۱۵ تا ۱۹ سال را شامل می‌شوند و مجرد زندگی می‌کنند، ۱۰ هزار و ۶۰۰ نفر یعنی ۰/۴ درصد و زنان هفت هزار و ۷۰۰ نفر یعنی ۰/۲ درصد است.

تفاوت زندگی مجردی جوانان غربی و جوانان ایرانی

این جامعه شناس با بیان این که خانواده‌های تک زیست هر سال افزایش می‌یابند، ادامه می‌دهد: «دلایل تک زیستی می‌تواند اجباری مانند مهاجرت، تحصیلی، شغلی و همچنین اختیاری باشد. در کل تک زیستی پدیده‌ای است که در کشورهای غربی رایج و در کشور ما نیز اشاعه پیدا کرده است. در غرب افراد از ۱۸ سالگی از خانواده جدا می‌شوند و این کار تبدیل به نوعی هنجار شده است حتی اگر خانواده پدری شرایط ایده‌آل داشته باشد زندگی با آن‌ها برای جوان غربی پذیرفته نیست و این که نتوانسته استقلال داشته باشد برایش نوعی سرافکندگی است. پس در آن فرهنگ جدایی از خانواده برای کسب استقلال و خودسازی است در حالی که در جامعه ما از این نوع زندگی برداشت غلطی شده و افراد بیشتر برای آزادی و فرار از محدودیت‌های خانواده به سوی آن کشیده می‌شوند. بنابراین این نوع زیست در خانواده‌های بالای شهر بیشتر نمود دارد.

«مجید ابهری» از نتایج یک پژوهش درباره زندگی مجردی می‌گوید

چرا جوان‌ها زندگی مجردی را انتخاب می‌کنند؟

جوان‌هایی که زندگی مجردی را انتخاب می‌کنند، دو دسته هستند. آن‌ها که با وجود داشتن خانواده ترجیح‌شان این است که به تنهایی خانه‌ای اجاره و زندگی مستقل را تجربه کنند و دسته دوم هم کسانی که اجبار آن‌ها را وادار به تنها زندگی کردن کرده است. دانشجوها، جوانانی که به دنبال کار به شهرها آمده‌اند یا آن‌ها که از همسر جدا شده‌اند و ناچارند تنها زندگی کنند در دسته دوم این ماجرا قرار می‌گیرند. به گزارش تابناک، «مجید ابهری»، استاد دانشگاه و آسیب شناس از آمار ۲۲ درصدی جوان‌هایی می‌گوید که در شهرهای بزرگ زندگی می‌کنند، آن هم در حالی که خانواده آن‌ها در همان شهر هستند.

پاسخ ۱۶۴۰ دختر و پسر به دلایل زندگی مجردی‌شان

«ابهری» از پژوهشی که با موضوع زندگی مجردی انجام داده شده و علت انتخاب زندگی مجردی توسط این دسته از جوانان می‌گوید: «وقتی از ۱۶۴۰ دختر و پسری که مجردی زندگی می‌کردند، علت جدا زندگی کردن‌شان سوال شد، ۸۰ درصد آن‌ها توافق اخلاقی نداشتن با خانواده و محدود بودن رفت و آمد با دوستان را بیان کردند. بعد از آن هم طلاق، جدایی از همسر و نبود تمایل به بازگشت به خانواده بعد از زندگی مستقل، توانایی مالی قابل توجه و دوست نداشتن محل زندگی والدین از نظر جغرافیایی از دلایل دیگر این جوان‌ها بود. البته ۱۵ درصد پسرانی که زندگی مجردی را انتخاب کرده بودند، زندگی با جنس مخالف را علت انتخاب خود بیان کردند به عبارتی همان ماجرای ازدواج سفید که از پنج سال پیش راجع به آن و آسیب‌های این نوع ازدواج در رسانه‌ها هشدار دادم چرا که تحقیقات نشان داده ازدواج سفید موجب کاهش آمار ازدواج و افزایش شلختگی فرهنگی است.»

جوان‌هایی که خانواده‌هایشان در شهر دیگری هستند

«ابهری» همچنین از علت زندگی مجردی جوان‌هایی که خانواده آن‌ها در شهرهای دیگر زندگی می‌کنند، می‌گوید و این که این افراد، اشتغال، ادامه تحصیل، علاقه نداشتن به بازگشت به زادگاه خود به دلیل محدودیت امکانات تحصیلی، آموزشی و تفریحی و دارا بودن امکانات بیشتر در کلان شهرها را علت برگزیدن زندگی مجردی و دوری از خانواده بیان کرده‌اند.

جنسیت افراد مورد پژوهش قرار گرفته

این آسیب‌شناس اجتماعی همچنین خاطرنشان می‌کند: «حدود ۷۰ درصد از افراد مورد پژوهش پسر و ۳۰ درصد دختر بودند و این جامعه آماری از شهرهای تهران، اصفهان، مشهد، شیراز و رشت انتخاب شدند که به ترتیب مقام‌های اول تا پنجم را درباره انتخاب زندگی مجردی توسط جوانان به خود اختصاص دادند.»

یادداشت یک روان‌شناس درباره آسیب‌های زندگی مجردی

خطر در کمین نوجوانان

الهه رضوی | روان‌شناس عمومی

گرایش به استقلال شخصی در همه افراد نهادینه است و مشخصه‌های مختلفی دارد. یکی از آن‌ها تنها زندگی کردن است. آمارها نشان می‌دهد در کلان شهرها علاقه به این نوع زندگی زیاد است. علت‌های مختلفی از جمله اختلاف اعتقادی نسل جدید با والدین، سخت‌گیری‌های خانواده، شکاف بین نسلی در گرایش به این نوع زندگی دیده می‌شود. همچنین گاهی کشمکش بین والدین در روان فرزندان تاثیر مخرب دارد و فرد ترجیح می‌دهد به محیطی آرام برای کسب آرامش پناه ببرد که از آن می‌توان به نوعی فرار از خانه یاد کرد.

آسیب‌های روان‌شناسانه زندگی مجردی

زندگی مجردی از بعد مثبت به دست آوردن استقلال شخصی و جدا شدن از وابستگی بیش از حد به والدین است اما تجربه زندگی مجردی در سن پایین در آینده برای فرد و جامعه آثار مخربی از جمله کاهش انگیزه برای ازدواج و کمرنگ شدن اخلاقیات را در پی دارد. همچنین نوجوانی که مجردی زندگی می‌کند و گرایش شدیدی به تنوع دارد، در قبال جنس مخالف هیچ گونه مسئولیت و تعهدی نداشته بنابراین در آینده نمی‌تواند متعهد و صبور بار بیاید. با توجه به محیط مذهبی و سنتی جامعه ما این نوع زندگی می‌تواند برای برخی از زنان صدمات روحی، روانی و افسردگی را به دنبال داشته باشد.

آیا زندگی مجردی درست است یا غلط؟

به راستی نمی‌توان به صورت کلی به خوبی یا بدی این نوع زندگی اشاره کرد و یک جمع‌بندی کلی داشت زیرا در این مقوله سن فاکتور مهمی است. در سنین پایین به علت ناپختگی احتمال خطرات و آسیب‌های اجتماعی بالاتر می‌رود زیرا یک نوجوان دوست دارد همه چیز را امتحان کند و ممکن است ناهنجاری‌هایی مانند روابط جنسی زودهنگام، مواد مخدر و... را تجربه کند و آینده‌اش را به تباهی بکشد. البته در سنین بالاتر هم که هیجانات کمرنگ‌تر می‌شود، درست یا نادرستی زندگی مجردی به انتخاب‌ها و نوع سبک زندگی فرد بستگی دارد و نمی‌توان برای آن‌ها حفاظ امنیتی مطمئنی تصور کرد.